



## شخصیت علم آیت الله محقق خراسانی

گفتگوی منتشر نشده از مرحوم حجت الاسلام والمسلمین نادرعلی مهدوی شهرستانی



اشاره: حجت الاسلام والمسلمین استاد نادرعلی مهدوی شهرستانی از سال های سال با روانشاد آیت الله محقق خراسانی آشنایی و روابط دوستانه داشته است و خاطرات درخور طرح از آیت الله خراسانی دارد. در این روزهایی که قرار شد ویژه نامه آیت الله خراسانی را در مجله عدالت و امید چاپ کنیم، با خبر شدیم که گفتگوی چاپ نشده با استاد مهدوی درباره آیت الله خراسانی در دست جناب آقای برهانی شهرستانی است. با ایشان در تماس شدیم. خوشبختانه ایشان موافقت کردند و گفتگورا برای ما فرستادند. جا دارد که از همکاری جناب آقای برهانی تشکر کنیم. اگرچه این گفتگو حدود هشت سال پیش انجام شده و متأسفانه تاریخ دقیق آن ثبت نشده است، ولی سخن تازه و نگفته و ناشنوده نیکویی که درباره آیت الله خراسانی گفته شده است.

**پیشگام:** در رابطه با مرحوم آیت الله محقق خراسانی یک سلسله مصاحبه‌هایی با شخصیت‌های علمی و سیاسی کشور داریم. تازه مطلع شدیم که استاد مهدوی از افغانستان تشریف آورده است ضمن خیرمقدم به ایشان می‌خواهیم راجع به آیت الله محقق خراسانی و آشنایی ایشان با ایشان مصاحبه‌ای را انجام بدهیم. حاج آقا! اولین سؤال این است که شما مختصری از زندگی خودتان را بیان فرمایید و بعد راجع به آقای خراسانی و این‌که چطور با ایشان آشنا شدید صحبت بفرمایید.

**حجت الاسلام مهدوی شهرستانی:** بسم الله الرحمن الرحيم با تشکر از لطف شما و این‌که قبول زحمت فرمودید و سؤالی راجع به این بنده کردید. البته زندگی خود ما که همان ابتدای کلمه که در افغانستان با مشقت‌هایی آن روز ما طلبه شدیم و از محل زادگاه اصلی خودمان، خواجه نیکپای، که به ولسوالی گیزاب مربوط بود به مالستان و جاغوری آمدیم. تحصیلاتی داشتیم در مالستان و بعد آمدیم در جاغوری مدرسه حوت قل جاغوری، مدرسه مرحوم آیت الله وحیدی جاغوری که شخصیت بسیار علمی و برجسته بود و با حکومت سید عباس (که یک مستبدی بود در غزنی) هم سازش نداشت و بالأخره توسط سید عباس تبعید شد، زندانی شد و بعد در آغاز هجوم روس‌ها رفت در قم بدرود حیات گفت. خدمت ایشان بودیم، بعد از خدمت ایشان که بالأخره با این مشکلات روبرو شدیم عازم ایران شدیم، در ایران که آمدیم تقریباً مدت چیزی کم هفت سال در مشهد مشرف بودیم و خدمت اساتید بزرگ من جمله خدمت حضرت استاد ادیب نیشابوری (ادیب دوم) بهره علمی بردیم، بعد عازم عراق شدیم، در عراق با مرحوم آقای محقق خراسانی آشنایی یافتیم، ایشان مردی بود فاضل، هم در اصول، هم در ادبیات، هم در تاریخ، هم در عرفان. بالأخره شخصیت برانده‌ای بود. بالأخره یک کمکی فکر آزادتر داشت و ارتباطشان با مراجع قوی دوام نداشت، گاهی با یکی از مراجع زمینه سازش فراهم می‌شد و مدتی با ایشان کار می‌کرد و بعد آن را که باب طبعش نبود رها می‌کرد بعد با مرجع دیگر. و آخر الامر ایشان از نجف اشرف برگشت اینجا در مشهد مقدس،

اینجا هم خدمت ایشان رسیدیم، بعد اتفاقاتی افتاد که ایشان در پاکستان از طرف حضرت آیت الله محقق کابلی تبلیغ داشت، از نزدیک با آقای محقق خراسانی ما ارتباط داشتیم و ایشان شخصیت برانده‌ای بود و فاضل و یکی از افتخارات مردم تشیع به شمار می‌آمد و ضمناً ایشان بنده را می‌شناخت و با مرحوم آیت الله رئیس یکه ولنگی یادی از ما کرده بود و به هر صورت این‌ها سر جای خودش. ولی در فرجام ایشان هم یک مقداری غریبانه بدرود حیات گفت و آن طوری که مقام علمی و شخصیت علمی شان ایجاب می‌کرد از ایشان تجلیل به عمل نیامد، این جای تأسف است. من انتظار دارم که فضلا و علما و برجستگان و فرهیختگان شخصیت ایشان را تعظیم کنند بعد از خودشان هم البته یک حقی از حقوقشان ادا خواهد شد.

**پیشگام:** مرحوم آقای محقق خراسانی برجستگی‌های زیادی داشت همان طوری که شما گفتید، در علوم مثل اصول، فقه، فلسفه، عرفان و مخصوصاً ایشان در فلسفه بیشتر نمود پیدا کرد، بیشتر به عنوان یک فیلسوف مطرح بود، به عنوان یک خطیب مطرح بود تا آنجای که ما می‌دانیم در نجف ایشان در اکثر بیوت مراجع آن زمان خطابه می‌خواند و از خطابه خوانان بسیار معروف بوده، حالا سؤال من این است که ایشان چرا آن طوری که شأن علمی اش اقتضا می‌کرد موفق نشد شاگردهای زیادی تربیت کند؟

**حجت الاسلام مهدوی شهرستانی:** باکمال تأسف این‌که ما اطلاع عمیقی نداریم ولیکن از روش اخلاقی حضرت آقای محقق خراسانی که ما استنباط کرده بودیم فکر می‌کنم که ایشان با آن فضل و علمی که داشت در رشته فقه و اصول و فلسفه، بیشتر علاقه داشت که بنویسد، البته کتاب‌هایش را به صورت کلی مطالعه نکردم ولی فکر می‌کنم که کتاب‌های خوبی باشد.

**پیشگام:** آقای خراسانی یک روحیه قوم‌گرایی داشت و سعی می‌کرد که این قوم از هر لحاظ هر طور شده نمود پیدا کند ولی چندان موفق نبود به نظر شما راز عدم موفقیت ایشان در چه بود؟



**حجت‌الاسلام مهدوی شهرستانی:** سؤال خوبی فرمودید اولاً این که در آن قسمت وقتی ایشان مشغول تحصیل در نجف اشرف بود افاده هم می‌کرد، منبر هم می‌رفت، در بیوت مراجع می‌رفت، از منبر و بیاناتشان هم خوب استفاده می‌کردند، استقبال می‌کردند، ولی شرایط فعالیت سیاسی در آن زمان در نجف اشرف وجود نداشت به خاطر آنکه نجف اشرف اگرچه شهر علم است، شهر دانش است، هرچه هست، مثلاً دانشگاه بزرگ هزار و دویست ساله است، ولی با کمال تأسف نسبت به اوضاع و شرایط زمان خودش علما و فضلا چندان علاقه‌ای هم نداشتند که آگاه شوند و آگاهی‌های پیشه نداشتند لذا این شرایط ایجاب می‌کرد که ایشان فعالیت سیاسی نداشته باشد. اما در بعد دیگر که ایشان در رابطه با مسئله قومی علاقه داشت که همان گرایش نژادی خودشان را تبارز بدهد، این حقشان بود به خاطر این که مردم ما و شما در هر جا که رجال و شخصیت‌های علمی داشتند مظلوم واقع می‌شدند، مردم حقشان را تلف می‌کردند، تبلیغی از آن شخصیت خوب نبود، به این خاطر ایشان رنج می‌برد، همان حقایق را تبلیغ می‌کرد و از آقای مدرس تبلیغ می‌کرد و از ارزش‌های دیگر تبلیغ

می‌کرد و این حقش بود، در این رابطه خودش هم موفق نشدند به خاطر این که شما می‌دانید که در دنیای امروز در ابعاد مختلف هر چه رول مهمی که بازی می‌کند جنبه تبلیغ بازی می‌کند حتی در اقتصاد، بعضی اقتصاددان‌ها نصف سرمایه خود را در قسمت تبلیغ مصرف می‌کند. و کسی نبود که از مقام علمی‌شان از استحقاقشان و شخصیتشان تبلیغ بکند تا معروف شود و در اثر این معروفیت مراجعینی داشته باشد یا مقلدینی داشته باشد یا معاونینی داشته باشد که به ایشان کمک بکنند تا آن شخصیت علمی‌شان تبارز بکند، کتابشان را چاپ کند. من فکر می‌کنم بیشتر عوامل عدم معروفیت ایشان از این ناحیه‌ها بود.

**میرزا امین:** بلی، این را ما قبول داریم که در نجف آقای محقق خراسانی کارهای خوبی انجام داد؛ اما زمانی که ایشان در مشهد آمد، گروه‌های شیعه شکل گرفته بودند و باهم اختلافاتی شدیدی هم داشتند، اینجا آقای خراسانی به عنوان یک حلقه وصل تبارز پیدا نکرد. به نظر شما ضعف از کجا بود؟

**حجت‌الاسلام مهدوی شهرستانی:** این ضعفش به خاطر



اینکه ایشان بیشتر با همان مراجع معروف که در نجف بودند سروکار داشت. به بیوت آن‌ها تشریف می‌بردند، در رابطه با شخصیت علمی آن‌ها صحبت می‌کردند، از شخصیت‌های علمی و مقام علمی آن‌ها تبلیغ داشتند، در آن موقع مرحوم امام در ایران بود، آن قدر مشهور و معروف هم نبود و با ایشان ارتباطی هم نداشت، بعد از انقلاب که آمد همچو فرصت کافی به گیر آقای محقق نیفتاد که ارتباط قرص و محکم برقرار بکند و در رابطه با شخصیت ایشان و انقلاب ایشان صحبت بکند تا یک موقع حسابی به گیرش بیفتد که در این قسمت‌ها مسائل را نشان بدهد. و به پندار ما و درک ناقص ما، همچنین فکر می‌کنم.

**پیشانی:** آقای خراسانی در قسمت هویت بخشی یا خودباوری مردم شیعه هزاره تا حدودی موفق بود به این معنا که بخش عظیمی از جوانان و روحانیت را متوجه این مسئله کرد و خودش با آن مراتب علمی از مسئله قومی، هزارگی و شیعی حرف می‌زد. حالا با توجه به این که حضرت عالی در کارهای سیاسی هم بودید و در مورد این که به مردم هزاره و شیعه ستم شده است یک سری اندیشه‌هایی هم دارید. شما برای این که اندیشه‌های شخصیت‌های مثل آقای خراسانی به ثمر برسد و مردم به آن خودباوری و به یک رستاخیز فرهنگی بزرگی برسند چه راه‌حلی را پیشنهاد می‌کنید؟

**حجت‌الاسلام مهدوی شهرستانی:** البته آن زمانی که ایشان این افکار و اندیشه‌ها را داشت شرایط افغانستان بسیار محدود و ضیق بود، مثلاً در زمان دموکراسی، و اواخر سلطنت ظاهر خان... تشکیل لوی جرگه بود... و اما در عین حال به نام دموکراسی بود، ولی استبداد حاکم بود هرگز کسی نمی‌توانست که از مرزهای حقوق مردم هزاره و مذهب تشیع حرف‌هایی مطرح بکند و در این قسمت‌ها یک تبلیغ داشته باشد و در این قسمت‌ها اگر فرصت می‌بود برای آقای خراسانی می‌توانست که برود در افغانستان ولیکن اگر می‌رفت هم فایده‌ای نمی‌کرد چون استبداد حاکم [بود] اما در اینجا چون مملکت خارج از افغانستان به حساب می‌آمد... مسائل سیاسی و مبارزه با آمریکا و غیر ذلک، همچو

فرصتی به دستشان نیامد که در رابطه با افغانستان بتواند تبلیغ بکند یا کاری بکند. فقط آنچه می‌سور بود فروگذار نکردند.

**پیشانی:** شما از ظاهر شاه گفتید، سؤالی به ذهنم آمد و آن این که بعضی از دوستان نسبت به آقای خراسانی یک سری ایرادهایی می‌گیرند، مثلاً می‌گویند ایشان یکی از کتاب‌هایش را به ظاهر شاه اهدا نموده و از ایشان تعریف و تمجیدی کرده است و این با شأن علمی آقای خراسانی نمی‌سازد. و بعضی دیگری از دوستان می‌گویند: آقای خراسانی از این طریق می‌خواست نفوذی در حکومت پیدا کند تا بتواند از حقوق مردم دفاع کند. شما در این مورد چه می‌فرمایید؟

**حجت‌الاسلام مهدوی شهرستانی:** خوب اینکه ایشان کتابی تقدیم کرده باشد به نام ظاهر شاه، با کمال تأسف من ندیدم آن کتاب را که در آن باره اظهار عقیده بکنم. البته این نظرش عاقلانه بوده که کوشش می‌کرده نفوذی پیدا بکند و این زمینه را فراهم بکند. چرا؟ بعضی رجال سیاسی که الآن در کابل وجود دارد و ما می‌شناختیم، فوت کرده، آن‌ها هم همین نظر را داشتند که در شرایط فعلی ما با ظاهر خان بسازیم که یک قدری فرصتی گیر ما بیفتد و ما از این فرصت بتوانیم به خاطر محرومیت‌های که ملت ما و قوم ما دارد یک کارهایی بکنیم. نظر ایشان در این قسمت اگر بوده نیک بوده ما تأیید می‌کنیم.

**پیشانی:** راجع به اخلاق و رفتارهای اخلاقی آقای خراسانی یک مقدار صحبت کنید.

**حجت‌الاسلام مهدوی شهرستانی:** البته ایشان از نظر اخلاق انسان متواضعی بود، فقط تنها نکته نظری که یک قدری آدم درباره‌اش فکر می‌کند این بود که یک مقداری زودرنجی هم داشت مثلاً فرض کنید که منازل آیات عظام که می‌رفت، سخنرانی‌های جالبی که می‌کرد انتظار داشت که به زودی یک عکس‌العمل خوبی از آقایان ببیند، اگر یک مقداری دیر می‌شد افسرده می‌شد؛ یعنی مسئله زودرنجی‌اش را من احساس کردم.

**پیشگام:** همین روحیه‌های آقای خراسانی دلیلی بر این نبوده که نتوانسته با احزاب شیعی افغانستان رابطه برقرار بکند و به عنوان یک شخصیت علمی رهبرگونه ظهور کند؟

**حجت الاسلام مهدوی شهرستانی:** در این قسمت من فکر می‌کنم ایشان مقام علمی شان ایجاب نمی‌کرد به این احزاب افغانستان پیوندد چون احزاب افغانستان اشخاص بسیار عادی و ابتدایی بود که سطح علمی شان نسبت به آنان قابل مقایسه نبود، بعد فکر می‌کنم که نمی‌توانست تحمل بکند که مقام علمی خود را کوچک کند و با یک عده اشخاصی که از نظر فرهیختگی مادون شأن باشد روابط برقرار بکند و از این راه بتواند کار بکند، و همان غرور علمی شان این را نمی‌پذیرفت.

**پیشگام:** از این نظر درست است. ولی آقای خراسانی روحیه کار برای اجتماع را بسیار داشت و یکی از کارهایی که می‌توانست برای جامعه‌اش بکند این بود که احزاب متفرق را جمع کند؛ اما ایشان در این قسمت چندان موفق نبوده، و ما می‌خواهیم حلقه مفقوده را پیدا بکنیم که به نظر شما در آن شرایطی که آقای خراسانی کار می‌کرد شرایط فرهنگی جامعه ما این را اقتضا نمی‌کرد، و یا ایشان با توجه به آن تربیتی که در نجف شده بود به این مسئله فکر نمی‌کرد؟

**حجت الاسلام مهدوی شهرستانی:** من فکر می‌کنم هر دو تاش مؤثر بوده به این معنا که هم وضع فرهنگی افغانستان در آغاز انقلاب بسیار پایین بود و سران احزاب هم آن قدر فرهیخته نبودند که مورد پذیرش آقای محقق شود و از طرف دیگر در نجف اشرف آن احترامات علمی که داشت احساس می‌کرد آن احترامات علمی با نیازش ناپذیر یکی از احزاب نصیبش نگردد و لذا نپذیرفتند. من فکر می‌کنم که این جوری شاید باشد.

**پیشگام:** حضرت عالی یک مقدار یادداشت‌هایی درباره تاریخ هزاره‌ها و ستم‌هایی که بر هزاره‌ها شده است دارید و جزواتی هم برای خودتان تهیه کرده‌اید، و آقای خراسانی هم در قسمت تاریخ هزاره بسیار مطالعه می‌کرد و در این زمینه کتاب‌هایی هم نوشته است، شماها در جلسات

خصوصی که با آقای خراسانی داشتید در این رابطه‌ها صحبت‌هایی هم داشتید؟ راه‌حلی و پیش درآمدی برای این که در آینده چه کاری بشود و نشود؟

**حجت الاسلام مهدوی شهرستانی:** با کمال تأسف آن قدر فرصت در نجف اشرف نبود که در این قسمت‌ها مفصل صحبت شود، ما صحبت‌های مختصری که می‌کردیم کار به جایی نمی‌رسید، فقط یک نشان دادن از مظلومیت‌های هزاره‌ها و قوم ما و شما بود و بقیه که آیا تدابیری اتخاذ بکنیم نه شرایط هم در آن زمان ایجاب نمی‌کرد، اصلاً مردم گمان نمی‌کردند که از خاندان محمد زایی حکومت منتقل شود و به دست کسان دیگر بیفتد، با بودن این‌ها امید چندانی نبود که بتوانیم ما در این قسمت کاری بکنیم.

**پیشگام:** از آقای خراسانی یک مقدار کتاب و دست‌نوشته‌هایی چاپ شده و چاپ نشده‌ای هست، مثلاً در زمینه اقتصاد ایشان کتابی دارد، در زمینه فلسفه چندین جلد شرح بر منظومه دارد، بر اسفار حواشی دارد، در زمینه منطق کتاب دارد، در زمینه‌های کلام، اخلاق، تاریخ کتاب‌ها دارد. شما به عنوان یک عالم به علما چه پیشنهادی می‌کنید که میراث گذشتگان ما حفظ شود، از جمله آثار آقای محقق خراسانی؟

**حجت الاسلام مهدوی شهرستانی:** البته این مربوط به این است که علما و بزرگان ما باید دیده شود و با آن‌ها تبادل فکر شود که آیا این انگیزه وجود دارد که همچو خدمت فرهنگی برای ملت خود بکنند یا نه؟ بعد از آن آدم می‌تواند اظهار بکند که چه اقدامی باید بشود. این کار به ذات خودش یک کار ارزشمندی است که میراث علمی شان در دست رس همگان قرار بگیرد.

**پیشگام:** در پایان از جنابعالی که قبول زحمت نموده به سؤالات جواب دادید تشکر می‌کنیم.

مهدوی: من هم از شما تشکر می‌کنم. خدا به شما توفیق بدهد. □